

حجاب و پوشش زنان

یکی از بایدها و هنجارهای فرهنگ دینی و بومی ماست. البته همین ابتدا باید بگوییم حجاب تنها مخصوص بانوان نیست. بر مردان نیز لازم است در تعاملات اجتماعی خود با پوشش مناسب ظاهر شوند. هدف از حجاب هم، جلوگیری از اختلاط بی‌قید و شرط زنان و مردان در جامعه است. به همین دلیل نباید حجاب زنان را تنها در پوشش آن‌ها خلاصه کرد، بلکه نوع رفتار و برخورد آن‌ها را نیز در برمی‌گیرد.

اسلام با طرح پوشش زنان در قالب حجاب، در عین پذیرش حضور اجتماعی آنان، جلوی فساد و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط ناصواب زن و مرد را هم گرفته است. چرا که تنها در حریم این پوشش است که می‌توان خیالی راحت به جامعه وارد شد و به فعالیت پرداخت. آری حجاب مرزی میان زنان و مردان پدید می‌آورد که به آن‌ها کمک می‌کند، تعامل سازنده و سالمی با جامعه داشته باشند؛ تعاملی که به پاکی و عفت آن‌ها لطمه نزند. در واقع زنان با انتخاب حجاب از خود و زیبایی‌ها و داشته‌های معنوی خود محافظت می‌کنند. اسلام با دستور حجاب می‌خواهد اجتماع محیطی سالم برای کار و فعالیت باشد. حجاب می‌گوید زن نباید برای مشارکت در امور جامعه، مجبور باشد از زیبایی و دیگر جاذبه‌های زنانه خویش مایه بگذارد. غیر از این است که وقتی جذابیت‌های زنان آشکار می‌شود، در نگاه دیگران، زن به کالایی مصرفی یا ابزاری برای سوء استفاده دیگران تبدیل می‌شود؟ حجاب وسیله‌ای است برای حفظ پاکدامنی زنان که به نوبه خود پاکدامنی در سطح جامعه را در پی دارد.


چرا حجاب زنان و مردان با یکدیگر فرق دارد؟

این اختلاف به خاطر تفاوت‌های بنیادی است که این دو با یکدیگر دارند؛ از ویژگی‌های فیزیکی گرفته تا احساسات متفاوت. درست است که زنان و مردان در انسانیت مشترک و از نظر ارزش‌های انسانی همانند هستند، ولی از نظر توانایی‌ها و روحیات مساوی و مشابه نیستند. این اختلاف برای آن است که هر کدام بتوانند در تشکیلات زندگی نقش‌های متفاوتی برعهده بگیرند. اگر قرار بود زن و مرد در روحیه، توانایی‌ها و احساسات عین یکدیگر باشند، به چه دلیل باید در آفرینش نوع آدمی دو جنس آفریده می‌شد؟ معلوم است که دوجنس بودن انسان‌ها یعنی این دو با هم تفاوت‌هایی دارند و یکدیگر را تکمیل می‌کنند. پس باید که نوع وظایفشان نیز با یکدیگر فرق داشته باشد. به همین ترتیب است که نوع پوشش این دو نیز به ضرورت و باید باهم تفاوت داشته باشد. امتیازها و نعمت‌هایی که خداوند برای ایجاد توازن در زندگی به هر یک از زن و مرد داده، از جمله مهم‌ترین تفاوت‌های زن و مرد در نوع پوشش است. در واقع تکلیف به داشتن پوشش متفاوت با مردان قبل از اینکه تکلیفی برای زنان باشد، توصیه‌ای از سر حکمت به مواظبت از پایداری و استمرار تفاوت‌هاست. یعنی خداوند بزرگ برای حفظ تعادل و برقراری توازن در زندگی جمعی، به هر یک از زن و مرد امتیازهای ویژه‌ای عطا کرده است که دیگری با اصلا آن‌ها را ندارد یا از آن‌ها کمتر برخوردار است. تا هر کدام از این دو جنس به‌خاطر این توانایی‌ها و امتیازها که دیگری دارد، به او گرایش پیدا کند، او را بپذیرد و خود را به ارتباط و زندگی با او نیازمند ببیند. خداوند بزرگ کاری کرده است که زن از قدرت بدنی کمتری برخوردار باشد.

حجاب

نگاهی به حکمت حجاب و عفاف

حسین امینی پویا



یکی از زمینه‌های این کار، دادن جاذبه‌های فراوان به زنان است. جاذبه‌هایی که بیشتر جلوه‌ ظاهری دارند؛ نظیر چهره، صدا، ترکیب اندام، مهر و عاطفه سرشار زنانه. تا زن با تکیه بر آن‌ها در مقابل مرد قدرتمندتر جلوه کند. در مقابل مرد را تا حدی شیفته و نیازمند این جاذبه‌ها قرار داده است تا برای دستیابی به او و تشکیل زندگی، حاضر شود هر دشواری و رنجی را تحمل کند. آن اندازه که عوامل مزبور در وجود زن برای مرد مورد توجه هستند، در زن نسبت به مرد این‌گونه نیست. به همین خاطر است که می‌بینم زنان کمتر به ظاهر مردان توجه دارند. ظاهر مرد برای زن پدیده‌ آورنده‌ هیجان خاصی نیست. به شکلی که اگر صدها زن از کنار مرد کارگری عبور کنند که به ضرورت پوشش کمتری دارد، فرضاً پاچه‌های شلوارش را بالا زده است، هیجان خاصی در آن‌ها بروز نمی‌کند. در صورتی نوع پوشش، رفتار و حتی نوع صدای زنان برای بیشتر مردان مایه‌ هیجان است و جاذبه دارد.

چرا آموزه‌های دینی از زنان می‌خواهد پوشیده‌تر از مردان در جامعه حاضر شوند؟ برای اینکه از تفاوتشان با مردان بهره ببرند و مراقبت کنند. پس نباید خود را رایگان و آسان در دسترس او قرار دهند. اگر دقیق شوید، این کار قبیل از هر چیز به نفع خود زنان است؛ نکته‌ای که خیلی‌ها به آن توجه ندارند و متأسفانه فرهنگ غربی این نقطه قوت را با ترویج بی‌حجابی از دست زنان بی‌شمار گرفته است.

اگر خانم‌ها با برهنگی و بی‌مبالاتی کاری کنند که مردان نیازی به تلاش برای رسیدن به آن‌ها نداشته باشند، معلوم است که دیگر خود را به مراعات حقوق زنان مجبور و ملزم نمی‌دانند. در حقیقت این خود زنانند که راه بی‌توجهی و پایمال کردن حقوق خود را برای این دسته هموار کرده‌اند. با این بی‌حجابی و برهنگی لجام گسیخته در کوچه و خیابان، معلوم است که مرد دیگر خود را نیازمند ناز کشیدن از هیچ زنی نمی‌بیند. این نشد آن یکی. وقتی بشنود بدون تعهد و رعایت حقوق زن و پذیرش مسئولیت‌های زندگی می‌توان نیاز خود را در هر کوی و برزن به رایگان و به آسانی برطرف ساخت، چه حاجت به صرف هزینه برای تشکیل خانواده، تعهدسپاری و حتی بذل محبت و عشق راستین! این چیزی است که در دنیای نوین و آزاد اتفاق افتاده و آشکارا و در سطحی وسیع قابل مشاهده است.

رعایت پوشش و حجاب، دسترسی به زنان را به مسیر درست، یعنی ازدواج هدایت و در فضای مناسب و به شکلی سالم محدود می‌کند. با این کار و در ادامه، بساط هرزگی و ناپاکی از سطح جامعه برچیده می‌شود. همان‌گونه که گفتیم، پوشش و حجاب در وحله اول به سود خود زنان است و بیش از آنکه زن را در تنگنا و محدودیت قرار دهد، مردان را محدود می‌سازد. این است که به گفته‌ منسوب به ویل دورانت: «اگر حتی ادیان به پوشش زن سفارش و دستوری نداشتند، این خود زن بود که در طول تاریخ بدون هیچ آموزشی یا فطرتش درک کرده بود که هر چه بیشتر خود را پوشیده‌تر بدارد، دست‌نیافتنی‌تر می‌شود و هر چه دست‌نیافتنی‌تر باشد با ارزش‌تر می‌شود.»